

30 سال بلاكلیفی سارقی كه یك زن را كشته

بود

8 مرداد 1403

مرد میانسال كه 30 سال قبل یك زن را هنگام سرقت از خانه این زن كشته و به قصاص محكوم شده بود، با توجه به اینکه در این مدت اولیای دم پیگیر اجرای حكم او نشده‌اند از قضات خواهان تعیین تكلیف در پرونده‌اش شد.

به گزارش مادران ودختران به نقل از «ایران» اوایل شهریور سال 72 صدای گریه‌های یك كودك در یكی از خانه‌های پایتخت، همسایه‌ها را كنجكاو كرد. یكی از همسایه‌ها چندین بار زنگ خانه مریم را زد تا پیگیر وضعیت كودكش شود، اما كسی جوابی نداد. در ادامه زن همسایه متوجه شد در خانه تخریب شده و نیمه‌باز است، بنابراین با نگرانی وارد خانه شد و ناگهان چشمش به جسد زن جوان در اتاق پذیرایی افتاد كه كودكش در آغوش او گریه می‌كرد.

موضوع بلافاصله به تیم جنایی اعلام شد و دقایقی بعد بازپرس جنایی و تیم بررسی صحنه جرم در محل حاضر شدند. معاینات اولیه متخصصان پزشکی قانونی نشان می‌داد كه زن جوان شب قبل به قتل رسیده است. خانه به‌هم ریخته بود و این مسأله حكایت از آن داشت كه جنایت به خاطر سرقت رقم خورده است.

ردی از قاتل

تیم جنایی در تحقیقات پی برد كه همسر مقتول برای مأموریت كاری به شهرستان رفته و زن جوان و دختر خردسالش به تنهایی در خانه بودند. عامل جنایت كه ظاهراً از این ماجرا مطلع بوده بعد از تخریب در ورودی، وارد خانه شده و با به قتل رساندن زن جوان، اموال باارزش خانه را به سرقت برده است. در محل جنایت اثر انگشت قاتل به دست آمد و نخستین فرضیه‌ای كه برای تیم جنایی مطرح شد این بود كه قاتل از آشنایان یا بستگان یا همسایه‌های مقتول است. با این احتمال، لیست افرادی كه شب حادثه در ساختمان حضور داشتند، به دست آمد و مرد جوانی به نام امید نیز در این فهرست قرار گرفت. امید برادر یكی از همسایه‌ها بود كه شب حادثه به میهمانی خانه برادرش رفته بود و لحظاتی قبل از ساعاتی كه پزشکی قانونی مرگ زن جوان را تأیید كرده بود، از خانه برادرش خارج شده بود. با دستگیری وی و مطابقت اثر انگشت او با آثار به جا مانده در خانه مقتول، مشخص شد وی عامل قتل است.

با كنار هم قرار دادن مدارك و شواهد به دست آمده، پازل قتل زن جوان كامل شد و امید به اتهام قتل زن 26 ساله بازداشت شد.

وی كه متأهل و دارای فرزند بود زمانی كه مقابل بازپرس پرونده قرار گرفت به جنایت اعتراف كرد و گفت: از همسر برادرم شنیده بودم كه مریم تنهاست و شوهرش به مسافرت رفته است. از طرفی می‌دانستم كه وضع مالی‌شان خوب است. مدتی بود وسوسه شده بودم و شب حادثه كه به خانه برادرم

رفتم، تصمیمم را گرفتم. او ادامه داد: بعد از اینکه از خانه برادرم بیرون آمدم، به طبقه‌ای که خانه مریم بود، رفتم و پس از تخریب در ورودی وارد خانه شدم. نیمه‌شب بود و تصور می‌کردم زن جوان خواب باشد. اما با سر و صدای من بیدار شد و با دیدنم می‌خواست فریاد بزند که دستم را روی دهانش گذاشتم و با روسری خفه‌اش کردم. بعد از آن هم وسایل باارزش داخل خانه را سرقت کرده و متواری شدم و البته خیلی طول نکشید که دستگیر شدم. هرگز تصور نمی‌کردم به خاطر سرقت مجبور شوم انسانی را به قتل برسانم و در این مدت عذاب وجدان داشتم.



بلا تکلیفی قاتل

به دنبال اعتراف مرد جوان، پرونده او پس از تحقیقات تکمیلی به دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد. اولیای دم خواهان قصاص قاتل شده و مرد جوان به اشد مجازات محکوم شد. با تأیید این حکم پرونده به دادرسی امور جنایی تهران ارجاع شد، اما بعد از مدتی مادر مقتول جانش را از دست داد و خواهر و برادرهای مقتول نیز به عنوان اولیای دم وارد پرونده شدند.

اما با گذشت 30 سال از جنایت، هیچ یک از اولیای دم برای اجرای حکم قاتل به دادگاه نرفته و پرونده را پیگیری نکرده‌اند و او در تمام این سال‌ها در زندان بلا تکلیف بود، سرانجام هفته گذشته مرد زندانی که از این بلا تکلیفی خسته شده بود از قضات دادگاه خواست برای وضعیتهش تعیین تکلیف کنند.

به دستور دادیار شعبه اول دادرسی جنایی تهران، پرونده به دادگاه کیفری ارجاع شد تا وضعیت او پس از 30 سال مشخص شود.